

## راز دوام نخست وزیری هویدا بیش از یک دهه

۱ مرداد ۱۴۰۳ ساعت ۲۰:۵۱

در حکومت پهلوی، وفاداری به شاه و سیاست‌های او عامل مهمی در بقای افراد در قدرت محسوب می‌شد. علاوه بر این ارتباط با محافل غربی نیز می‌توانست این موضوع را تقویت کند. از این رو هر فرد یا سازمانی که به شاه وابسته بود و در کنار آن حمایت آمریکا یا سایر کشورهای غربی را به همراه داشت می‌توانست نسبت به بقای خود در حکومت امیدوار باشد. امیرعباس هویدا از جمله افرادی بود که توانست با این ویژگی‌ها مقام صدارت خود را به مدت سیزده سال حفظ کند.

امیرعباس هویدا یکی از نخست‌وزیران شناخته شده حکومت پهلوی دوم است که با سیزده سال صدارت، طولانی‌ترین دوران نخست‌وزیری را از آن خود کرده است. هویدا از سال ۱۳۴۳ تا سال ۱۳۵۶ نخست‌وزیر ایران بود. او در این دوران دست به اقدامات زیادی زد که برخی از آنها مورد تحسین موافقان قرار گرفت و برخی نیز با مخالفت منتقدان مواجه شد. اما آنچه که در این نوشته محل بررسی قرار گرفته است، موضوع چرایی طولانی بودن نخست‌وزیری هویدا است. آیا اعتماد شاه به هویدا عامل اصلی بقای قدرت او بود؟ آیا اقدامات هویدا باعث شده بود تا شاه همچنان به صدارت او تمایل داشته باشد؟ پاسخ این سوال‌ها در ادامه مورد بررسی قرار گرفته است.

### دوران نخست وزیری هویدا

هویدا پیش از نخست‌وزیری، در وزارت دارایی فعالیت داشت. فعالیت او در وزارت دارایی در دوران صدارت حسنعلی منصور بود. همهویدا و حسنعلی منصور، با یکدیگر رابطه خویشاوندی (باجناق) داشتند و همین موضوع باعث شده بود تا منصور بعد از احراز پست نخست‌وزیری، بتواند به راحتی وارد کابینه شود. با این حال بعد از ترور منصور، هویدا به عنوان گزینه اصلی نخست‌وزیری مطرح شد و توانست جایگزین دوست و باجناق خود شود. در دوران نخست‌وزیری هویدا، وضعیت کشور از نظر ثبات اقتصادی مطلوب بود؛ اما این وضعیت به معنای رضایتمندی مردم نبود؛ زیرا بسیاری از مردم و طبقات مختلف اقتصادی، فاقد درآمد مناسب بودند. با این حال وضعیت سیاسی کشور بسیار ناپایدار بود و کشور اعتراضات شاهد تنش‌های سیاسی زیادی بود. علیرغم این وضعیت، هویدا توانست ۱۳ سال در پست نخست‌وزیری بماند. دلایل طولانی بودن پست نخست‌وزیری هویدا برای بسیاری از افراد جای سوال است. تاکنون پاسخ‌های متعددی به این سوال داده شده است. از جمله آنکه:

هویدا توانست ثبات اقتصادی ایجاد کند

یکی از استدلال‌هایی که در پاسخ به سوال فوق مطرح شده است اشاره به ایجاد ثبات اقتصادی است. این استدلال که بیشتر از

سوی طرفداران هویدا و حکومت پهلوی مطرح می‌شد عملکرد هویدا را عامل بقای قدرت او معرفی می‌کند. این در حالیست که در این دوره کشور با مشکلات عدیده اقتصادی از جمله فساد، افزایش تجمل‌گرایی (که با افزایش واردات لوازم لوکس صورت گرفت) و... مواجه بود.

«طبق آمارهای موجود در این سال‌ها ۳۳ درصد واردات صرف واردات ماشین و اتومبیل و کالاهای لوکس، ۲۹ درصد مواد اولیه مورد نیاز کارخانه‌ها و ۲۴ درصد تجهیزات نظامی می‌شد. همچنین ۱۲ درصد از واردات نیز شامل واردات مواد غذایی بود. بررسی این آمار نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از سرمایه‌هایی که در کشور تولید می‌شده صرف خرید کالاهای خارجی لوکس که مخاطب آن‌ها اقشار خاصی بوده‌اند می‌شده است. [۱] از طرفی فساد به گونه‌ای بود که بسیاری از گروه‌های خاص و متمایز از امتیازات ویژه اقتصادی همچون وام‌های کلان برخوردار شدند در حالیکه دست افراد عادی از این امتیازات کوتاه بود. وام‌ها با سود بسیار کم اعطا می‌شدند و سود آنها بسیار کمتر از تورم بود. گذشته از این، در دوران حکومت پهلوی برخی از نخست وزیران نیز عملکرد مناسب اقتصادی داشتند؛ اما هیچ یک از آنها نتوانستند مانند هویدا این مقام را به مدت سیزده سال حفظ نمایند.

ارتباط هویدا با محافل غربی

از دیگر استدلال‌هایی که در پاسخ به چرایی بقای هویدا در پست نخست وزیری مطرح می‌شود ارتباط او با محافل غربی از جمله آمریکایی است. امیرعباس هویدا با فرهنگ ایران و ایرانی بیگانه بود و قبله آمال و آرزوهایش را غرب قرار داده بود. [۲] تا جایی که گفته شده است توتون او نیز را از آمریکا و انگلیس آورده می‌شد. [۳] این استدلال که تا حدودی درست به نظر می‌رسد در راستای سیاست‌های شاه نیز قرار داشته؛ زیرا شاه نیز در ارتباط نزدیک با محافل غربی قرار داشت. این سیاست از یک سو باعث حمایت شاه از هویدا شده بود و از طرفی حمایت محافل غربی را به دنبال داشت. چنانچه وقتی در اوایل دهه ۴۰ که آمریکا تصمیم گرفت برای بسیج نخبگان نخواستگان تکنوکرات نهادهایی را تدارک کند منصور و هویدا را برای این منظور مستعد یافت و اینان نیز، آمریکا را متقاعد کردند که برای این هدف بهترین انتخاب می‌باشند. [۴]

علاوه بر این هویدا یکی از اعضای شبکه فراماسونری بود که این موضوع نیز حمایت شبکه فراماسونری جهان از او را به دنبال داشت. این شبکه عامل مهمی در حفظ هویدا در سمت نخست‌وزیری بود. البته هویدا در این شبکه به گونه‌ای عمل می‌کرد که ردپایی از عضویت او در فراماسونری به جا نمی‌ماند، اما بسیاری از اسناد وابسته به حکومت پهلوی به عضویت او در این شبکه اشاره کرده‌اند. در گزارشی از ساواک درباره این فعالیت‌ها چنین آمده است: «اعضای این تشکیلات اکثراً از طبقه مرفه و مؤثر و رجال و سیاستمداران مملکت می‌باشند و در مواقع خاص و حساس غالباً این امکانات را دارند که منشأ حوادث و دگرگونی‌های سیاسی در کشور شوند. در حالی که علی‌الظاهر هیچ نوع ردپایی از دخالت آنان در این گونه حوادث به جای نمی‌ماند. این در حالی است که ظاهراً آنان اعضا خود را از دخالت در سیاست و گفت و گو و بحث سیاسی منع می‌کنند...» [۵]

بهای بودن هویدا

عامل دیگری که تاثیر بسزایی در طولانی شدن دوران نخست وزیری هویدا داشت ارتباط او با محافل بهائیت از جمله اسرائیل بود. اسرائیل نیز یکی از متحدان استراتژیک حکومت پهلوی بود و از هر اقدامی برای حفظ شاه و حکومتش در قدرت استفاده می‌کرد. بالطبع این حمایت شامل حامیان حکومت از جمله هویدا نیز می‌شد. به خصوص آنکه هویدا خود نیز بهائی بود و از این

